

اصلاح طلبی را از نو بسازیم

کمیته سیاسی جبهه اصلاحات ایران، با ارسال نامه‌ای به سیدمحمد خاتمی، نکته‌هایی را یادآور شد. در ابتدای نامه آمده است: «ما اکنون در یکی از حساس‌ترین و خطرناک‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران ایستاده‌ایم. تحریم‌های شورای امنیت بازگشته، روابط خارجی کشور محدود شده، فشار اقتصادی بر مردم به مرز بحران معیشتی رسیده، و نارضایتی اجتماعی در حال انباشت است. در عین حال، در مواجهه با این بحران‌ها، کمتر به سمت گفت‌وگو و اصلاح پیش رفته‌ایم و بیشتر بر حفظ وضع موجود تأکید شده است. جامعه خسته است، و به نظر می‌رسد دولت در مدیریت این شرایط با مشکلات و ضعف در تصمیم‌گیری و اجرا مواجه است، و ملت میان احساس ناامنی و نگرانی نسبت به آینده سرگردان.» در بخش پایانی نامه نوشته شده است: «امروز اصلاح طلبی اگر بخواهد بماند، باید با اصلاح خود آغاز کند... اصلاح طلبی جدید باید نه فقط در حرف، بلکه در کنش و سبک زندگی سیاسی اش متفاوت باشد. اصلاح طلبی اگر از درد مردم، از خشم و امید مردم فاصله بگیرد، دیگر اصلاح طلبی نیست، ما باید در کنار مردم بایستیم، نه فقط برای آنان سخن بگوییم، در شرایطی که کشور با فشار تحریم‌ها، تهدید خارجی و چالش‌های داخلی در پیشبرد اصلاحات و سیاست‌ها مواجه است، تنها نیرویی می‌تواند ایران را نجات دهد که هم عاقل باشد و هم اخلاقی؛ و این دویژگی، ریشه‌های واقعی اصلاح طلبی‌اند. بنابراین، پاسخ ما به پرسش «چه باید کرد؟» روشن است؛ باید اصلاح طلبی را از نو بسازیم؛ باید از قدرت فاصله بگیریم تا به مردم نزدیک شویم؛ باید از محافظه کاری عبور کنیم تا صادق باشیم؛ و باید به جای انتظار، خود آغازگر تغییر شویم. در کنار همدلی و همراهی و انسجام داخلی، اگر چنین کنیم، اصلاح طلبی پایان نیافته است؛ بلکه تازه آغاز می‌شود.»

ادامه سر مقاله

در این میان، هرازگاهی آقای خاتمی بارشی سیاسی محدودی دارد که در زمین خشک سیاست جذب نمی‌شود و تبخیر می‌شود. این بارش‌ها هم محدود و واحدی کلی گونه است؛ ولسی کاجی به از هیچی، آقای خاتمی در سخنان اخیر خود در دیدار با اعضای انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، به مجموعه‌ای از موضوعات اشاره کرد که رویکرد به‌نسبت روشنی را بازتاب می‌داد؛ موضوعاتی از قبیل وضعیت نظم جهانی و نسل کشی، موقعیت ایران، نقد گذشته و هدف انقلاب، هدف و وظیفه حکومت، ضرورت بهبود روابط منطقه‌ای و روابط خارجی، خطوط قرمز واقعی کشورداری، ضرورت داشتن اقتصاد قدرتمند، دانشگاه‌ها و رسالت و کارکرد آن، مسئله محدودیت در انتخاب مدیران دولتی، موانع موجود از درون دولت، مشکلات ناشی از دخالت و توسعه نفوذ دستگاه‌های امنیتی و نظامی در امور غیر مرتبط، احضارهای صاحبان فکر و اندیشه و رسانه و...، بیان سخنان و شعارهای غیر مسئولانه و هزینہ‌زا برای کشور از سوی مسئولین به ساختار سیاسی، وضعیت اینترنت، نحوه تعامل با دولت و مواردی دیگر. همه اینها در قالبی منطقی و قابل فهم ارائه شد که مخاطب را از نظر فهم و درک مسائل یک گام به جلو می‌برد. یکی از موارد مهمی که آقای خاتمی به آن پرداخت درباره رابطه کنشگران با دولت بود که گفتند: «نذکر آخر به شما عزیزان و به کسانی که از آمدن آقای رئیس جمهور استقبال کردند، اینکه باید دولت را حمایت کرد؛ دولتی که با مشکلات و موانع فراوان تلاش می‌کند که مردم را راضی و میهن را سربلند کند. ولی انتظار این است که دولت محترم هم برای بازپس گرفتن حقوق و اختیارات خود و اعمال بهتر و بیشتر آنچه در اختیار دارد تلاش بیشتر، علمی‌تر و با برنامه‌ریزی سنجیده‌تر کند و دوستان اگر انتقادی دارند اولاً با رعایت همه جوانب و نه طلبکارانه بیان شود و به جای گالیله‌ها بیجا روی مطالبات واقعی مردم و نیز وعده‌هایی که به مردم داده شده است تکیه کنند و ثانیاً در کنار آن راهکارهای مناسب نیز بررسی و عرضه شود.» هدف اصلی ایشان در بیان نحوه تعامل با دولت و شخص آقای پزشکیان است. آقای پزشکیان هر ایرادی داشته باشد، داغ و درفش ندارد و کسانی در اطرافش گوش به فرمان او نیستند که به پی آجر کردن نان منتقدین باشند و هر منتقدی را بدنام کنند. پس فارغ از هر واکنشی باید فکر این ویژگی را دانست و نقدهای محترمانه داشت و نه تحقیر و توهین. نقد را باید چنان نوشت که مخاطب نقد نیز بر انصاف ناقد غیبه بخورد. در مقابل، دولت و شخص آقای پزشکیان هم وظیفه دارند که نقدها را مغتنم بشمارند. اگر بیایی ادعای کنند هر کسی که می‌تواند کمک کند آماده فشردن دست او هستند، در این صورت بهتر از منتقدان چه کسانی را می‌توانند سراغ بگیرند؟ به‌علاوه، پاسخگویی در برابر نقدها یک ضرورت است. نباید گمان کرد که مردم و نخبگان لزوماً از اطلاعات و داده‌های تصمیم‌گیران مطلع هستند. از مردم نمی‌توان و نباید تبعیت محض طلبید. وظیفه حکومت و دولت است که اعتماد مردم و نخبگان را به دست آورند.

سیاست

POLITICS

۴

نگاه

هم‌میهن

انتظاراتی که برآورده نشد

بررسی سخنان اخیر سیدمحمد خاتمی و نامه کمیته سیاسی جبهه اصلاحات



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

در روزهای جنگ ۱۲ روزه همه رسانه‌ها و تحلیلگرانی که وقایع ایران و سیاست داخلی ایران را پیگیری می‌کردند؛ از همراهی و انسجام ملی که حتی میان ایرانیان خارج از کشور در حمایت از ایران شکل گرفته بود متعجب شدند تا جایی که بعد از آتش‌بس بسیاری پیش‌بینی‌ها از برهم خوردن فضای جامعه و شروع اعتراضات و اعتصابات در کشور سخن بهمیان آورده بودند. آنچه که از نگاه بسیاری معجزه‌وار رخ داد و از آن با عنوان فرصتی بی‌بدیل برای کاهش فاصله مردم-حکومت می‌توان یاد کرد. در این بین سیاستمداران و تحلیلگران هم دست به کار شدند که با پیشنهادهات‌شان از این فرصت به نفع کشور و افزایش امید و رضایت مردم بهره‌بردند و به اصطلاح «تا تنور داغ است، نان را بچسبانند». روزها سپری شد و الان قریب به ۵ ماه از پایان جنگ و بیان ضرورت استفاده از این فرصت گذشته است. طی همین روزهای گذشته در کنار نبود گشایش در وضعیت زندگی مردم که بسیاری آن را حتی در صورت وجود عزمی جزم برای تغییر در سیاست‌گذاری‌ها و اصلاح مسیر نیازمند زمان می‌دانند؛ برخی فعالان سیاسی و مدنی احضار و حتی برخی بازداشت شدند. به عبارتی نه آن هشدارها و ضرورت تغییر در حوزه تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی و سیاست خارجی به نتیجه‌ای رسیده است و نه به نظر می‌رسد در حوزه اجتماعی و سیاست داخلی قصدی برای دلجویی و اصلاح در رفتار به چشم می‌خورد. در این بین و در همین روزهایی که جامعه بیش از پیش نگران آینده خود و ایران است و دولت به‌ویژه رئیس‌جمهوری از وضع بد اقتصادی و اوضاع ناخوش‌منابع آبی و...

درکشور سخن گفته و خواهان همراهی همه نهادها به‌ویژه مجلس برای مقابله با مشکلات و عبور از وضع موجود شده‌است، بسیاری از سیاستمداران به‌ویژه اصلاح‌طلبان و بخشی از اصول‌گرایان سنتی همچنان بر ضرورت تغییر رویه‌ها و اصلاح مسیرها

سخنان خاتمی و نامه کمیته سیاسی جبهه اصلاحات به خاتمی دو وجه اصلاح طلبی و اصلاح‌خواهی است؛ کمی امیدوارتر یا ناامیدتر



سعید نور محمدی قائم مقام حزب ندای ایرانیان:

خاتمی اصل خوداصلاحی در چارچوب انقلاب را بازخوانی کرد

منطقه‌ای شکل گرفته که «قابل قبول بوده است، ولی کافی نیست و این بهبود باید با همه عالم با حفظ استقلال و عزت ملی و از سوی همه ارکان حاکمیت باشد» در رابطه با اقتدار یک کشور و نسبتش با قدرت نظامی یا بیان اینکه «قدرت نظامی جایگاه خاص خود را دارد. آن هم برای دفاع از تمامیت ارضی و استقلال و تأمین منافع ملی» تصریح کرد؛ «ولی همین قدرت و توان نیز در صورتی پایدار خواهد بود که اولاً متکی بر اقتصاد نیرومند و دانش قوی باشد و ثانیاً رضایت مردم و امیدواری آنان به آینده بهتر، پشتوانه نظام حکمرانی و نیروهای مسلح باشد و با محوریت یک دیپلماسی هوشمند و ملی و واقع‌نگر و محکم ولی انعطاف‌پذیر، امور اداره شود. این همه در صورتی قابل دسترسی است که عملاً خط قرمز اصلی، منافع کشور و مصالح ملی و رضایت مردم و البته با مشارکت همه‌جانبه ملت به‌خصوص دانشمندان و کارشناسان و آزادی و امنیت برای همه باشد.» خاتمی به فرصت پیش‌آمده در جنگ ۱۲ روزه اشاره کرد و گفت: «انتظار می‌رفت که برای قدرانی از این مردم شریف گشایش‌های بیشتر و امیدبخش‌تری در کار مردم ایجاد شود. البته تنگناهای اقتصادی و معیشتی جامعه که ریشه‌های سخت و علت‌های مزمنی دارد یک‌شبه قابل حل نیست ولی مطمئناً با رویکردهای عدالت‌محور و واقع‌نگر به‌خصوص با بهبود روابط خارجی اولاً امید مردم به بهبود امور بیشتر می‌شود و ثانیاً در میان مدت هم آثار خوب این روبه آشکار خواهد شد.» البته خاتمی از عملکرد دولت در این زمینه دفاع کرد اما این راهم گفت که راضی کردن مردم «اولاً باید با برنامه‌ریزی معقول و عملی و ثانیاً از سوی همه ارکان حکومت باشد.» در این بین او به موضوع «آزادی بخش مهمی از زندانیان»، «برداشتن موانع از سر راه هموطنان در خارج» و «تحقق وعده‌های رئیس‌جمهور به مردم از جمله اصلاح وضع ناگوار اینترنت» اشاره کرد و اذعان داشت: «در همه این زمینه‌ها اگر وضع بدتر نشده باشد، بهتر نشده است.» خاتمی در این گفت‌وگو به «احضار و فرخواندن و حتی محاکمه بسیاری از سیاسیون و اصحاب رسانه و فکر و حتی شخصیت‌های معتبر و امتحان‌داده» بیش از گذشته و «سخن‌های تهدیدآمیز و تحریک‌کننده... به‌خصوص از تریبون‌های رسمی و تکیه روی شعارهای نابجا» که در جای خود در پدید آمدن وضع ناگوار کنونی موثر بوده است» و «دخالت‌های بیش از حد دستگاه‌های امنیتی (و احیاناً نظامی)» به عنوان علل افزایش ناامیدی اشاره داشت. رهبر جریان اصلاحات پس از آن هم به وضعیت آشفته دولت که حتی «نمی‌تواند مدیران مورد خواست خود را به کار گیرد و با مانع بزرگ (و نابجایی) به نام تأیید به اصطلاح صلاحیت‌ها روبه‌رو» است پرداخت و با تأکید بر ضرورت حمایت از دولت و نقد منصفانه از آن، «دولت هم می‌خواهد «برای بازپس گرفتن حقوق و اختیارات خود و اعمال بهتر و بیشتر آنچه در اختیار دارد تلاش بیشتر، علمی‌تر و با برنامه‌ریزی سنجیده‌تر کند.»

➤ نامه به رهبر جریان اصلاحات

پس از اینکه سخنان خاتمی منتشر شد، دفتر سیاسی جبهه اصلاحات خطاب به او بیانیه‌ای منتشر کرد و در اینگونه نوشت: «در سطوح رسمی شاید فرصت گفت‌وگو محدود باشد، اما در جامعه هنوز امید زنده است؛ نه به افراد و جناح‌ها، بلکه به امکان

سخن گفته می‌شود، در سطحی بالاتر از نقد عملکرد روزمره قرار دارد و از نیاز به

بازتعریف سیاست‌های کلان، مبتنی بر ارزش‌هایی مثل عدالت، شفافیت و اعتماد عمومی صحبت می‌شود. هر نظام سیاسی هم باید بپذیرد که چنین اصلاحاتی نه‌تنها نشانه ضعف، بلکه نشانه اقتدار عقلانی نظام است؛ اقتداری که از پذیرش خطا و اراده برای بهبود می‌آید.

➤ **خاتمی در بخش دیگری می‌گوید که «همه دشمنی‌ها و دشمن‌ها را در داخل دیدن و به این بهانه مردم و نهادها را از حقوق مسلم خود محروم کردن و غفلت از تهدیدهای بیرونی که امنیت و آرامش را از حکومت و مردم گرفته است، اساس نادرستی است که اگر اصلاح نشود بیش از پیش کشور و مردم و حتی حکومت زیان خواهد دید.» نظر شما چیست؟**

این سخنان اخیر آقای خاتمی را می‌توان ناظر به یکی از آسیب‌های دیرپای سیاست داخلی ایران تحلیل کرد؛ مسئله‌ای که اگر چه به‌نسبت گذشته خیلی تغییر کرده، ولی متأسفانه تا به حال مورد پذیرش کامل جریان‌های رقیب قرار نگرفته است. این مسئله تمایل به تفسیر همه‌ی مسائل کشور از زاویه‌ی تهدید درونی است. در حالی‌که امنیت ملی، به‌ویژه پس از بحران‌های منطقه‌ای اخیر، نیازمند این است که توازن هوشمندانه‌ای میان نگاه امنیتی

و نگاه اجتماعی برقرار شود. تمرکز افراطی بر تهدیدهای داخلی، آن‌هم در شرایطی که فشارهای پیرامونی افزایش یافته، باعث کاهش سرمایه‌ی اجتماعی و تضعیف اعتماد میان مردم و حکومت می‌شود. همان سرمایه‌ی که بنیان اقتدار ملی است. نقد آقای خاتمی هم در جهت تعریف مفهوم امنیت ملی بر پایه اعتماد عمومی و مشارکت نهادهای مدنی است؛ که در دولت خود ایشان هم پیگیری می‌شد. بر خورد و بازداشت‌های پس از بحران، زمانی که جامعه هنوز در شوک است، ممکن است از حیث روانی احساس بی‌ثباتی تولید کند و بازآرندگی اجتماعی را کاهش دهد. سیاست‌گذاران و مسئولان امنیتی کشور باید یک بار برای همیشه این را بپذیرند که دفاع از امنیت کشور باید با اقتدار قانون و عقلانیت سیاسی

صورت گیرد، نه با گسترش مرزهای سوءظن. امنیت پایدار تنها و تنها در محیطی شکل می‌گیرد که شهروندان احساس کنند حقوق و حیثیت اجتماعی‌شان محترم شمرده می‌شود. همان‌طور که کشور در عرصه نظامی اقتدار سخت خود را به شکل تحسین‌برانگیزی نشان داد، در عرصه اجتماعی نیز باید اقتدار نرم را حفظ کند. یعنی به مردم اعتماد کند و از ظرفیت انجمن‌ها، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها برای بازسازی آرامش استفاده نماید. اگر تنها به یک جنبه از اقتدار سخت یا نرم توجه کنیم، جنبه دیگر هم آسیب می‌بیند. به تعبیر دیگر، تأکید آقای خاتمی یادآوری این اصل بنیادین است که اگر امنیت به جای مردم، بر ترس از مردم بنا شود، هم دولت و هم جامعه زیان خواهند دید. مسیر اصلاح، تعادل میان امنیت و آزادی، قانون و اعتماد است تا تعادلی که شرط ماندگاری و عقلانیت در حکمرانی امروز ایران است.

➤ **خاتمی گفته است «سخن‌های تهدیدآمیز و تحریک‌کننده به‌خصوص از تریبون‌های رسمی و تکیه روی شعارهای نابجا روزه‌های امیدارمسود می‌کند، تحلیل‌تان نسبت به این گزاره چیست؟ چه باید کرد؟**

از کنار این سخنان آقای خاتمی نباید ساده گذشت. ریشه این دغدغه آقای خاتمی را باید در تجربیات تاریخی ایشان در این سال‌ها به‌خصوص در دوران مسئولیت ایشان در قوه مجریه دانست. توجه به این مسئله که مخاطب سخن گفتن در عرصه حکمرانی تنها داخل کشور نیست، بلکه مرزهای ملی و بین‌المللی را دربر می‌گیرد. وقتی از تریبون‌های رسمی، صدای تحریک‌کننده یا شعارهایی غیرواقع‌بینانه صادر می‌شود، این پیام نه‌تنها به آرامش داخلی لطمه می‌زند، بلکه خوراک تبلیغاتی و توجیهی برای دشمنان خارجی فراهم می‌آورد. اینکه چطور برخی مواضع و سخنان نسنجیده در تریبون‌های رسمی، دولت، نظام و کشور را دچار چالش‌های جدی می‌کند و بحرانی را ایجاد می‌کند که حل آن در عرصه سیاست خارجی دیگر ساده نیست. سخنان مطرح‌شده در

